

مجلة علمي - تحقيقي بين المللي ديوان

ديوان نريوال علمي - خيرنيز ژورنال

مجلة ديوان الدولية للبحوث العلمية

DİWAN Uluslararası Bilimsel Araştırma Dergisi DİWAN
International Scientific and Research Journal

ISSN: 2706-6428 E-ISSN: 2707-7462

دوره ۵؛ شماره ۲؛ تابستان و خزان ۱۴۰۳

Volume 5th; Issue 2nd; Summer & Fall 2024

حکم شرعی مجازات مالی

الحکم الشرعی للعقوبة المالية

The Sharia Ruling on Financial Punishment

İslam'da Mali Cezanın Hükümü

Doi: <https://doi.org/10.69892/Diwan.523>

صديق الله كريمي^۱ * محمد عثمان روحاني^۲

Makale Bilgisi / Article Information

Makalenin Türü/Article Type: Araştırma makalesi/Resarch Article

Geliş Tarihi / Received Date:

.3.202460

Kabul Tarihi / Accepted Date:

.20244.21

Bu makale, Turnitin yazılımınca taranmıştır. İntihal tespit edilmemiştir

This article has been scanned by Turnitin. No Plagiarism Detected.

معلومات مقاله / بيانات المقال

نوع مقاله / نوع المقالة: تحقيقي / البحثي

تاريخ دریافت مقاله / تاريخ استلام المقال:

تاريخ پذیرش مقاله / تاريخ قبول المقال:

این مقاله توسط نرم افزار تورنیتین Turnitin بررسی شده

Plagiarism یا سرقت ادبی تثبیت نگردید.

قد خضع المقال لبرنامج فحص الانتحال Turnitin ولم

يثبت انه من السرقات الابدية

نحوه ارجاع دهی از این مقاله در باورقی:

صديق الله كريمي - محمد عثمان روحاني، "حکم شرعی مجازات مالی"، *مجلة ديوان* ۲/۵ (سرطان ۱۴۰۳)، ۴۵-۶۲.

Atıf:

Sediqullah Karimi - Muhammad Osman Rohany, "İslam'da Mali Cezanın Hükümü", *Diwan Dergisi* 5/2 (Temmuz 2024), 45-62.

^۱. پوهندوی، عضو دپارتمنت ثقافت اسلامی پوهنځی شرعیات پوهنتون سمنگان، ksediqullah@gmail.com، ORCID: 0009-0000-0565-6808.

^۲. پوهاند، دوکتور، عضودپارتمنت تفسیر وحدیث پوهنځی علوم اسلامی پوهنتون تعلیم وتربیه کابل، m.osman.rohany@gmail.com، ORCID: 0000-0002-0536-5274

چکیده

هدف این تحقیق شناخت حکم شرعی تعزیرات مالی است، جزای نقدی از جمله مجازاتی است که تحت تأثیر قوانین و وضعی به عنوان یک نوع از مجازات جایگزین حبس مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله تلاش شده به بررسی حکم شرعی مجازات جزای نقدی از منظر اسلام پرداخته شود. روش تحقیق در مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و برای جمع آوری معلومات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است. یافته‌های تحقیق بر این امر دلالت دارد که مجازات جزای نقدی دارای ابعاد اقتصادی مهمی از منظر تحلیل فقهی است، در مورد حکم تکلیفی جریمه مالی فقهای اسلامی اختلاف نظر دارند، دیدگاه جمهور علما و قول راجح در مذهب حنفی حرمت و وضع تعزیرات مالی است. به عنوان نتیجه بحث می‌توان گفت که جریمه مالی با در نظر داشت قواعد کلی شریعت اسلام مبنی بر احترام ملکیت اشخاص و حرمت اخذ مال غیر بدون مجوز شرعی، جایز نمی‌باشد.

الملخص

الهدف من هذا البحث هو معرفة الحكم الشرعي للعقوبة المالية، فالعقوبة المالية هي من العقوبات التي اعتبرت نوعاً من أنواع العقوبة البديلة عن السجن في ظل تأثير القوانين الحالية. نحاول في هذا المقال دراسة الحكم الشرعي للعقوبة المالية من وجهة نظر الإسلام. منهج البحث في هذا المقال هو الوصفي والتحليلي، وتم استخدام المنهج المكتبي لجمع المعلومات، وفي هذا المقال روعيت أصالة النصوص والصدق والأمانة في نقل الأقوال. وتشير نتائج البحث الى أنه لا يوجد دليل قطعي في مشروعية العقوبة المالية، وقد اختلف الفقهاء حول جواز العقوبة المالية، وذهب جمهور الفقهاء من علماء الإسلام إلى عدم جواز العقوبة المالية وهو رأي الراجح في المذهب الحنفي. ومن خلال الحديث يمكن القول بأن الغرامة المالية لا تجوز بالنظر إلى القواعد العامة للشريعة الإسلامية فيما يتعلق باحترام أموال الأفراد وحرمة أخذ الأموال دون إذن شرعي. ويتضمن هذا البحث ملخصاً، ومقدمتاً وأهم ما توصل اليه البحث، وتنتهي بخاتمة وقائمة المصادر.

کلمات کلیدی:

حکم شرعی، مجازات مالی، جریمه نقدی، دیدگاه فقهاء، دلایل شرعی.

الكلمات المفتاحية:

الحكم الشرعي، العقوبة المالية، الغرامة، رأي الفقهاء، الدليل الشرعي.

Abstract

The findings of the research indicate that there is no definitive evidence supporting the legitimacy of financial penalties in Islamic law. Islamic jurists have varied in their opinions regarding the permissibility of financial penalties. The majority of Islamic scholars, particularly those following the Hanafi school of thought, hold the view that financial penalties are not permissible. Based on the discussion, it can be concluded that financial fines are generally not permissible according to the overarching principles of Islamic law, which emphasize the sanctity of individual property and the prohibition of taking money without lawful permission. This study includes an abstract, an introduction, a summary of key findings, and concludes with a summary and a list of references.

Keywords:

Sharia Ruling,
Financial Penalties,
Fines, Sight of Jurists,
Islamic Reasons.

Özet

Bu araştırmanın amacı, mali cezanın yasal hükmünü bilmektir, çünkü mali ceza, mevcut yasaların etkisi altında hapis cezasına alternatif bir ceza türü olarak değerlendirilmiştir. Bu makalede, İslam açısından mali cezanın yasal hükmünü incelenmeye çalışılmıştır. Bu makalede kullanılan araştırma yöntemi betimsel ve analitiktir ve bilgi toplamak için kütüphane yöntemi kullanılmıştır. Bu makaledeki metnin orijinalliğine, tarafsızlık ve nesnellikine dikkat edilmiştir. Araştırmanın sonuçları, mali cezanın meşruiyeti konusunda kesin bir kanıt olmadığını göstermektedir. Fıkıh alimleri mali cezanın caiz olup olmadığı konusunda anlaşamamışlardır. İslam fıkıh alimlerinin çoğunluğu, mali cezanın caiz olmadığı görüşündedir, ki bu Hanefi fıkhındaki en doğru görüştür. Hadisten, mali bir cezanın, bireylerin paralarına saygı gösterme ve yasal izin olmaksızın para almanın yasaklanmasıyla ilgili İslam hukukunun genel kuralları göz önüne alındığında caiz olmadığı söylenebilir. Bu araştırma, bir özet, bir giriş ve en önemli bulguları içermekte olup, bir sonuç ve kaynaklar listesiyle sona ermektedir.

Anahtar Kelimeler:

Şer'i Hüküm, Mali
Cezalar,
Para Cezaları, Fıkıh
Alimlerinin Görüşü,
Şer'i Delliler.

مقدمه

از زمان خلقت انسان، پدیده جرم و جنایت و به تبع آن مجازات به طور مستمر در حیات بشری یکی پس از دیگری به وقوع می‌پیوندد، از جمله این مجازات، مجازات مالی است که در عصر حاضر مورد توجه قانون‌گذاران کشورهای مختلف قرار گرفته و رو به گسترش است. مجازات مالی به هر گونه حکم جزایی شرعی و قانونی اطلاق می‌شود که متضمن پرداخت مال و یا محرومیت از مال در مقابل فعل ممنوع یا ترک وظیفه می‌باشد. منظور و مراد از مجازات مالی در حوزه شریعت گسترده‌تر از مجازات مالی متداول در حقوق عرفی و موضوعه است. در حقوق عرفی مجازات مالی عبارت‌اند از: اخذ جریمه یا غرامت مالی، بستن محل کسب و مؤسسات، محرومیت از اشتغال، مصادره اموال، متوقف کردن وسیله نقلیه، لغو جواز کار که در شرع ضمن روا داشتن همه این مجازات، هر کیفر و عقابی که واجد جنبه مالی بوده و به سبب ارتکاب جرم بر مال تعلق گیرد، مجازات مالی محسوب می‌شود. لذا کفارات مالی، مصادره اموال قاتل ذمی، محرومیت قاتل از ارث از مصادیق چنین مجازاتی می‌باشد. در این تحقیق، دیدگاه فقهای اسلامی در مورد تعزیرات مالی مطالعه شده است. از منظر فقهی تلاش شده به ادله و مستندات شرعی و نیز اقوال و آراء فقهای اسلامی راجع به هر یک از اشکال مجازات مالی، به تناسب مباحثی که در فقه راجع به آنها مطرح است، اشاره شود. در مورد مشروعیت و عدم مشروعیت جریمه مالی، در میان فقهای اسلامی دو نظریه مطرح شده است، برخی از فقهای اسلامی؛ مانند: غزالی و ابن فرحون قایل به جواز جریمه مالی هستند و برخی دیگر به حرمت آن فتوا داده‌اند و یکی از پرسش‌های مطرح در فقه اسلامی، تعزیرات مالی است که آیا حکومت اسلامی می‌تواند مجرمین را محکوم به تعزیر مالی نماید یا خیر؟

به عبارت دیگر، آیا قلمرو تعزیرات محدود به ضرب، حبس و توبیخ است یا عمومیت دارد و سایر موارد را نیز شامل می‌شود؟ در این بحث به سؤالات فوق پاسخ ارائه گردیده و دیدگاه هر دو گروه طرح و مبانی و مستندات آن بررسی می‌شود. البته در فقه اسلامی، تعزیر مالی دارای مفهوم وسیع است که شامل نگهداری بخشی از مال مرتکب، توسط حاکم برای مدت معین می‌شود؛ تا موجب بازدارندگی مجرم از ارتکاب جرم و توبه وی شود.

یکی از مجازات تعزیری که امروزه کاربرد فراوانی دارد و در قانون جزای مصوب ۱۳۵۵ هـ ق افغانستان نیز به کرات مورد استفاده قرار گرفته است، مجازات مالی است. قوانین حقوقی نظام‌های سیاسی حاکم در جهان اسلام در بحث مجازات تعزیری از جریمه مالی به عنوان مجازات اصلی یاد کرده‌اند درحالی‌که این نظریه در تضاد صریح با نصوص شرعی مبنی بر احترام ملکیت شخصی و حرمت اخذ مال غیر، قرار دارد. با مطالعه کتب فقهی متقدمین مذهب حنفی روشن می‌شود که ایشان از چنین مجازاتی بحث نکرده و یا آن را صریحاً نامشروع دانسته‌اند. با وجود این در میان فقهای معاصر، تمایل به پذیرش مشروعیت مجازات مالی است و تلاش شده است برای این نظر، قراین و مؤیداتی نیز در آثار فقهی و حدیثی پیشین یافت شود. حال می‌توان این سؤال را مطرح کرد که مبانی عدم مشروعیت مجازات مالی چیست؟ و به چه دلیل میان فقهای معاصر و فقهای متقدم در این موضوع اختلاف نظر وجود دارد؟ این تحقیق در پی یافتن پاسخی برای این سؤال و نیز قلمرو و محدوده‌ی قبول این مجازات با توجه به نظریات مختلف که بر عدم مشروعیت آن دلالت دارد، می‌باشد.

این تحقیق به هدف شناخت حکم شرعی تعزیرات مالی از دیدگاه اسلام انجام شده است. این تحقیق در پی پاسخ دهی این سؤالات است که مجازات مالی در شریعت اسلام چه حکم دارد؟ دلایل جواز و یا عدم جواز وضع تعزیرات مالی کدام‌ها اند؟ موضوعات مالی در شریعت اسلام از اهمیت زیادی برخوردار است، از طرف خداوند متعال در امور مالی احکام شرعی تشریح گردیده است، گرفتن مال غیر بدون اجازه مالک در صورتی که مخفی باشد به آن سرقت گفته می‌شود و در صورتی که به زور باشد به آن غصب گفته می‌شود، در مورد سرقت و غصب احکام فقهی زیادی تعلق دارد. به خاطر اهمیت امور مالی است که فقهای اسلامی در مورد تعزیرات و مجازات مالی اختلاف نظر دارند، حتی برای تنبیه مجرم نیز اخذ مالش به جزای مالی مورد اختلاف دانشمندان اسلامی قرار گرفته است. چون از نظر فقه حنفی تعزیر مالی جایز نمی‌باشد در حالی‌که حکومت‌های اسلامی عملاً در

نظام جزای‌شان تعزیرات مالی را به‌عنوان یک جزایی تعزیری گنجانیده‌اند، به همین لحاظ به تحقیق بیشتری نیاز دارد تا حکم شرعی تعزیرات مالی در روشنایی احکام شریعت اسلام واضح گردد.

در این تحقیق از روش تحلیلی- توصیفی استفاده شده است، برای جمع‌آوری و تحریر مطالب این تحقیق بیشتر بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی تکیه شده است، احادیث و نقل قول‌ها در این تحقیق به منابع اصلی آن ارجاع داده شده و مورد تحلیل دقیق علمی قرار گرفته است. در این مقاله حکم شرعی وضع تعزیرات مالی تبیین و توضیح گردیده است، بیشتر تکیه‌گاه این تحقیق احادیث نبوی و اقوال فقهای مذاهب اسلامی می‌باشد که با معیارهای علمی، مورد تحلیل و مطالعه قرار گرفته است، در مبانی نظری از منابع معتبر و دست اول کتب حدیث، فقه و نیز از جدیدترین آثار تحقیقی دانشمندان استفاده به‌عمل آمده است. این تحقیق نیمه‌کاربردی است، نتیجه این تحقیق برای ریاست‌های حقوق وزارت عدلیه و محاکم افغانستان قابل عمل می‌باشد.

در منابع دینی در مورد تعزیرات مالی و تبیین حکم شرعی آن به زبان عربی کتاب‌های متعددی و تحقیقات مختلفی تحت عناوینی (العقوبات المالية، التعزیرات المالية) انجام شده است که در ذیل به معرفی برخی این تألیفات و تحقیقات اشاره می‌شود:

۱. (حکم التعزیر بالمال) عنوان تحقیق علمی است که توسط دکتر احمد محمد السعید السعدی استاد پوهنتون ۱۹ مایس (سامسون) ترکیه، انجام شده است که در سال ۲۰۱۱ در مجله علمی-تحقیقی، حقوق اسلامی همین پوهنتون به نشر رسیده است، یافته‌های نویسنده نشان می‌دهد که تعزیر مالی مطابق به اصول کلی شریعت اسلامی جایز است مشروط به اینکه تأمین‌کننده عدالت واقعی باشد و قانون تعزیرات مالی به وسیله‌ی شوری فقهی معتبر تدوین شده باشد.^۳
۲. (العقوبات المالية التعزیرية من زاوية أصول الفقه) عنوان مقاله علمی-تحقیقی است که توسط دکتر عامر الدیرشوی، تهیه و تحقیق گردیده است، این رساله‌ی علمی در سال ۲۰۲۰م در مجله علمی پوهنخی علوم اسلامی پوهنتون آغر چین فدراسیون روسیه به نشر رسیده است. یافته‌های نویسنده نشان می‌دهد که در مورد حکم شرعی تعزیرات مالی میان فقهای اسلامی اختلاف نظر وجود دارد، وی نظریات و دلایل هر گروه را نقل نموده، مورد مناقشه قرار داده است، در نهایت بعد از مناقشه دلایل طرفین قول عدم جواز مجازات مالی را ترجیح می‌دهد.^۴
۳. (العقوبة المالية في الفقه الإسلامي و صور تطبيقاتها في المملكة العربية السعودية)، عنوان مقاله‌ی علمی-تحقیقی است که توسط دکتر عبدالله بن محمد الحوالی به رشته‌ی تحریر در آمده است. این تحقیق علمی در سال ۱۴۳۵ق در مجله العدل کشور سعودی در شماره پنجاه و نهم ماه رجب به نشر رسیده است، اثر علمی در سه فصل تهیه و ترتیب گردیده است، نویسنده در اثر علمی به صورت کلی از انواع تعزیرات و مصادیق آن در جامعه سعودی بحث نموده است. یافته‌های نویسنده نشان می‌دهد که در مورد تعزیرات مالی فقهای اسلامی اختلاف نظر داشته‌اند، نویسنده بعد از بررسی دلایل مختلف فقهی به این نتیجه می‌رسد که وضع تعزیرات مالی توسط حاکم مسلمان جایز می‌باشد، در صورتیکه تعزیرات مالی برای کاهش گراف جرایم کمک کند برای حاکم اجازه است که اقدام به مجازات مالی نماید.^۵
۴. (العقوبات المالية وسقوطها في ضوء القرآن والسنة والقانون الوضعي)، عنوان مقاله‌ی علمی-تحقیقی است که توسط خانم تبسم کلثوم فیضی هندی تحریر گردیده است، این تحقیق علمی در سال ۲۰۱۷م در مجله اعجاز تحقیقی برای اسلامیات و انسانیات در جلد اول شماره دوم سال مذکور به نشر رسیده است. این رساله‌ی علمی در مورد انواع تعزیرات مالی و احکام شرعی آن به تفصیل به زبان عربی پرداخته است، نظریات و دیدگاه‌های مختلف فقهای اسلامی را با دلایل محکم

۳. احمد محمد السعید السعدی، "حکم التعزیر بالمال"، مجله تحقیقات حقوق اسلامی ۳/۲ (۲۰۱۱م)، ۱۴-۲۳.

۴. عامر الدیرشوی، "العقوبات المالية التعزیرية من زاوية أصول الفقه"، مجله پوهنخی علوم اسلامی پوهنتون آغر چین ۸/۲ (۲۰۲۰م)، ۱۸.

۵. عبدالله بن محمد الحوالی، "العقوبات المالية في الفقه الإسلامي و صور تطبيقاتها"، مجلة العدل ۱۵/۵۹ (رجب ۱۴۳۵هـ ق)، ۲۶۷.

مورد بحث قرار داده است. یافته‌های نویسنده نشان می‌دهد که تعزیرات مالی در صورتی که برای بازدارندگی جرم مؤثر واقع شود، حاکم اسلامی حق اجرای مجازات مالی را دارد.^۱

۵. **(العقوبات المالية)**، عنوان بحث علمی است که توسط عبدالله بن عبدالرحمن السحیم تهیه و تحقیق شده است، نویسنده در این مقاله هشت حدیث در باب مجازات مالی ذکر نموده و اسناد احادیث را مورد بحث قرار داده است، نویسنده با قاطعیت تمام بر دیدگاه مخالف هجوم برده و آن را رد نموده و نظریات مخالفین تعزیرات مالی را ضعیف و بی بنیاد وانمود کرده است. نویسنده در خاتمه بحث خود نتیجه‌گیری نموده، می‌نویسد: تعزیرات مالی حکم شرعی است، این نوع تعزیرات از پیامبر اسلام و صحابه کرام ثابت است، پس مطابق به ضرورت جامعه اسلامی، حاکم مسلمان می‌تواند اقدام به وضع تعزیرات مالی نماید. این تحقیق البته معیارهای یک تحقیق علمی را ندارد؛ اما باز هم در بررسی اسناد احادیث باب تعزیرات مالی مؤفقانه عمل نموده است. این رساله در سال ۱۴۴۰ق توسط مکتبه المشکاة الإسلامية به نشر رسیده است.^۲
۶. **(العقوبات المالية ودورها في إعادة تأهيل المحكوم عليه، دراسة مقارنة بين الشريعة الإسلامية والقانون الجنائي)**، عنوان تحقیق علمی است که توسط استاد دکتور محمد بن سماعیلی استاد پوهنتون الجزایر انجام شده است. این مقاله علمی در جلد ۱۱، شماره اول ربع چهارم سال ۲۰۱۹م، در مجله علمی (مجله البحوث العلمية والدراسات الإسلامية) به نشر رسیده است. نویسنده در تحقیق علمی از مبانی فقهی و شرعی مجازات مالی بحث نموده است، محقق موضوعات کفارات، دیات و جرایم مالی را به‌طور مفصل مورد بحث قرار داده است. یافته‌های نویسنده نشان می‌دهد که تعزیرات مالی به‌عنوان مجازات اصلی در تمام شرایع قدیم مرعی الإجرأ بوده است، وی می‌نویسد: تعزیرات مالی به‌عنوان بدیل حبس نه تنها برای اصلاح مجرمین کافی است؛ بلکه به‌عنوان عواید دولتی نیز به آن نگاه می‌شود و هزینه‌های مجازات حبس را با خود در پی ندارد.^۳
۷. **(الغرامة المالية وتطبيقاتها في المحاكم الشرعية الأردنية)**، عنوان تحقیق علمی است که توسط استاد دکتور احمد غالب الخطیب مفتی ولایت المفرق کشور شاهی اردن انجام شده است، این مقاله به تاریخ ۲۰۲۱م در صفحه دائرة الإفتاء کشور شاهی اردن به نشر رسیده است. اگرچه نویسنده مجازات قانونی که در کشور شاهی اردن مرعی الإجرأ است با مقایسه با فقه اسلامی به بحث گرفته است؛ ولی در تحریر دلایل محل نزاع خیلی محققانه عمل نموده است، دلایل طرفین را به تفصیل ذکر نموده است. یافته‌های نویسنده نشان می‌دهد که تعزیرات مالی مروج در روشنایی فقه اسلامی جایز می‌باشد.^۴
۸. **(بررسی مشروعیت مجازات مالی)** عنوان مقاله علمی - تحقیقی است که توسط دکتور علی مظهر قراملکی و محمد رضا حمیدی استاد فقه و مبانی حقوق اسلامی پوهنتون تهران انجام شده است، این مقاله علمی در فصلنامه تحقیقاتی فقه و حقوق اسلامی / سال هشتم / شماره بیست و هشتم / تابستان ۱۳۹۱ش / در صفحات ۱۵۶-۱۴۵، به نشر رسیده است.
۹. محقق در پایان بحث می‌نویسد: نتیجه‌ای که می‌توان از مباحث گفته شده به دست آورد، ثابت بودن مشروعیت مجازات مالی به نحوی از بین بردن مال مجرم یا تملیک به آن به بیت‌المال و یا آسیب دیده به‌عنوان یک تعزیر شرعی (منصوص) است؛ اگرچه فقهای پیشین آن را در شمار تعزیرات ذکر نکرده‌اند. حتی اگر ادله‌ی منصوص، جواز تعمیم مجازات تعزیری

^۱. تبسم کلثوم الفیضی، "العقوبات المالية وسقوطها في ضوء القرآن والسنة والقانون الوضعي"، مجلة الإعجاز التحقیة ۲/۱ (۲۰۱۷م)، ۱۵.

^۲. عبدالله بن عبدالرحمن بن الصالح السحیم، "مکتبه المشکاة الإسلامية"، العقوبات المالية. <https://shababaltgher.alafdal.net>. (الوصول ۶/۹/۱۴۴۰ هـ، ۱۸).

^۳. محمد بن سماعیلی، "العقوبات المالية ودورها في إعادة تأهيل المحكوم عليه، دراسة مقارنة بين الشريعة الإسلامية والقانون الجنائي"، مجلة البحوث العلمية والدراسات الإسلامية ۱/۱ (اکتوبر ۲۰۱۹م)، ۷۶-۹۰.

^۴. احمد غالب الخطیب، شبکه دائرة الإفتاء، الغرامة المالية وتطبيقاتها في المحاكم الشرعية الأردنية. <https://www.aliftaa.jo/ShowContent.aspx?Id=8>. (الوصول ۲۰۲۱/۴/۲م)، ۲۳.

به موارد غیرمنصوص بودن مجازات مالی، قابل ایراد باشد، با پذیرش این هم جواز اعمال این مجازات به دست می‌آید و البته وضع تعزیرات مالی در این مورد، منوط به صلاحدید حاکم اسلامی در وضع این مجازات خواهد بود. قائل شدن به مشروعیت مجازات تعزیر از باب حکم ثانویه، اگرچه منجر به نادیده گرفتن دو نظر پیشین است؛ اما حسن آن در این است که مقید به قواعد خاص مجازات تعزیری نخواهد بود؛ بلکه ضوابط آن را حاکم اسلامی تعیین می‌نماید.^{۱۰}

۱۰. (مبانی فقهی جرمه مالی در فقه امامیه و فقه اهل سنت)، عنوان تحقیق علمی است که توسط ضامن علی حبیبی تهیه و تحقیق شده است، این مقاله‌ی علمی در مجله حکومت اسلامی تهران/ سال بیست‌ودوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۶، در صفحات: ۱۱۶ - ۸۳، به نشر رسیده است. نویسنده در این اثر علمی خویش مبانی فقهی جرمه مالی را از دیدگاه فقه امامیه و فقه اهل سنت به بحث و بررسی گرفته است، دلایل اهل سنت را از منابع معتبر آورده است. محقق بعد از بررسی دلایل تعزیرات مالی در نتیجه بحث خود می‌نویسد: «در فقه اسلامی در مورد تعزیرات مالی دو نظریه مطرح است. فقهای شیعه و سنی در هر دو مکتب فقهی، دارای دو نظر هستند. برخی قائل به مشروعیت جرمه مالی هستند که مبنای این نظریه افزون بر روایات و وقایع تاریخی، ادله ضرورت تشکیل حکومت اسلامی است. وقتی معتقد به ولایت فقیه و تشکیل حکومت اسلامی باشیم، حاکم اسلامی برای حفظ نظام اسلامی، برقراری نظم و امنیت و تأمین عدالت می‌تواند با در نظرداشتن مصلحت امت اسلامی، قوانین را وضع نموده به مرحله اجرا بگذارد. بر این اساس، حاکم می‌تواند جرایم مالی را به‌عنوان قانون وضع نماید؛ فرق نمی‌کند که مجازات به‌عنوان تعزیرات شرعی باشد یا تعزیرات حکومتی؛ زیرا مبنای وضع قانون، جرمه مالی مصلحت جامعه است و حاکم امین امت اسلامی، در صدد تأمین مصالح آنان است؛ بنابراین، می‌تواند قوانین را در جهت تأمین مصالح آنان وضع نماید. اگر بازدارندگی مجرم از تکرار جرم با وضع جرمه ممکن باشد، حکومت صالح اسلامی می‌تواند جرمه مالی را طبق موازین عادلانه حقوقی، به‌خاطر حفظ مصلحت نظام و جامعه وضع نماید.»^{۱۱}

۱۱. (بررسی مجازات جزای نقدی از منظر فقه اقتصادی)، عنوان تحقیق علمی است که توسط یعقوب علیزاده بخش الهیات فقه و حقوق اسلامی پوهنتون پیام نور تهران ایران، انجام شده است. این اثر علمی در فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره سوم، خزان سال ۱۴۰۱ش به نشر رسیده است. محقق در پایان تحقیق می‌نویسد: «نتایج نشان داد که مجازات جزای نقدی دارای ابعاد اقتصادی مهمی است. جزای نقدی از این جهت که به‌ویژه در خصوص جرایم مالی بازدارنده است و در پیشگیری از وقوع و تکرار جرم تأثیرگذار است، مانع تحمیل هزینه‌های جرم و مجازات از منظر تحلیل اقتصاد حقوق بر جامعه و دولت می‌شود. در واقع برای پیشگیری از جرائمی که انگیزه مجرم در آنها کسب سود و ثروت اندوزی است، جزای نقدی مؤثر و مانع از تکرار جرم این قبیل افراد که محرک آنها از ارتکاب جرم، حرص شدید و سودجوئی است می‌باشد. از طرفی مجازات جزای نقدی می‌تواند منبع درآمد و تأمین مالی برای دولت نیز باشد. به عبارتی جزای مجازات جزای نقدی مخارجی به همراه ندارد و جزای نقدی خود ممر درآمدی برای دولت به حساب می‌آید. لذا از لحاظ اقتصادی اعمال این کیفر به نسبت سایر مجازات‌ها علی‌الخصوص حبس بدون مصرف است. این در حالی است که مطابق تفسیر موسع از مجازات تعزیر در فقه، حاکم اسلامی و در واقع قانونگذار امکان تعمیم تعزیر به سایر مجازات‌ها از جمله جزای نقدی را دارد. در چنین وضعیتی برای گسترش مجازات جزای نقدی مانعی پیش روی قانونگذار نبوده و با

۱۰. علی مظهر قراملکی و محمد رضا حمیدی، "بررسی مشروعیت مجازات مالی"، فصلنامه تحقیقات فقه و حقوق اسلامی ۲۸/۸ (ثور ۱۳۹۱ ه.ش)، ۱۴۶.

۱۵۹

۱۱. ضامن علی حبیبی، "مبانی فقهی جرمه مالی در فقه امامیه و فقه اهل سنت"، مجله حکومت اسلامی ۱/۲۲ (بهار ۱۳۹۶ ه.ش)، ۸۳-۱۱۶.

توجه به مزایای مورد اشاره درخصوص مجازات مذکور، ضروری است مجازات جزای نقدی پیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.^{۱۲}

البته اکثریت تحقیقات فوق‌الذکر دور از تأثیر حکومت‌ها نبوده، نویسندگان به شکل از اشکال تحت تأثیر نظام‌های سیاسی که جرمه مالی در آن به‌عنوان یک قانون حکومتی مرعی الاجرا است، قرار داشته‌اند، از این جهت خواستم که در مورد حکم شرعی مجازات مالی یک تحقیق بی‌طرفانه و منصفانه و دور از تأثیر‌پذیری نظام سیاسی حاکم انجام شود؛ تا که حقیقت مشروعیت مجازات مالی در روشنایی فقه اسلامی آشکار گردد. با توجه بر مطالب ذکر شده می‌توان گفت:

الف: مفهوم مجازات مالی

عبدالقادر عوده (۱۹۵۴م) در کتاب (التشريع الجنائي الإسلامي) می‌نویسد: «مجازات مالی عبارت از جزای تعزیری است که بر مال شخص حکم می‌شود از قبیل: خونبها، غرامه و مصادره اموال مجرم».^{۱۳}

استاد عبدالعزیز عامر در کتاب (التعزیر فی الشریعة الإسلامية)، مجازات مالی را از دیدگاه فقه حنفی چنین تعریف می‌کند: «مجازات مالی عبارت از نگهداری بخشی از مال مرتکب جنایت، توسط حاکم برای مدت معین می‌باشد؛ تا موجب بازدارندگی مجرم از ارتکاب جرم و توبه وی شود، سپس مال مجرم به خودش تحویل داده می‌شود».^{۱۴}

۱. اصطلاحات مشابه مجازات مالی

در کتب فقهی و تحقیقات علمی که در موضوع مجازات مالی صورت گرفته است، اغلباً در زبان عربی در بدل مجازات مالی از عناوین چون: العقوبات المالية، التعزیر المالی و مصادرة اموال، بحث شده است.

۲. انواع تعزیرات مالی

تعزیر مالی اقسام مختلفی دارد که عبارت‌اند از:

۱) اتلاف ادوات و وسایل جرم؛

۲) تغییر صورت اشیای ممنوعه به اشیای دیگر؛

۳) جرمه مالی (الغرامة المالية)؛

۳) تملک و مصادره تمام یا قسمتی از اموال مجرم به نفع بیت‌المال.^{۱۵}

مجازات مالی به‌صورت اتلاف؛ مانند: تلف نمودن بت‌ها، بتکده‌ها، مشروبات حرام، وسایل قمار و همچون مجازات مالی به‌صورت تغییر حالت مال از یک حالت نامشروع؛ مانند: تصاویر و مجسمه‌ها به حالت مشروع، به اتفاق فقهای اسلامی جایز می‌باشد. اما در مورد جرمه مالی و مصادره اموال مسلمانان که مرتکب جرم شده‌اند، میان فقهای اسلامی اختلاف نظر وجود دارد.

۳. دیدگاه فقهای اسلامی در مورد مجازات مالی «به‌صورت اخذ و تملیک غیر»

در مورد مشروعیت و یا عدم مشروعیت جرمه مالی، در میان فقهای اسلامی دو نظریه مطرح شده است، برخی قائل به جواز جرمه مالی هستند و برخی دیگر به حرمت آن فتوا داده‌اند. فقهای اسلامی در مورد مجازات مالی به‌صورت اخذ مال و تملیک آن به دیگران، برابر است که بیت‌المال باشد و یا غیر آن، اختلاف نموده‌اند. در این مورد دو نظریه وجود دارد که ذیلاً شرح می‌شود:

^{۱۲}. یعقوب علیزاده، «بررسی مجازات جزای نقدی از منظر فقه اقتصادی»، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی ۳/۴ (۱۴۰۱ش)، ۱۱۶-۱۲۷.

^{۱۳}. عبدالقادر عوده، التشريع الجنائي الإسلامي مقارنة بالقانون الوضعي (بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۳ ه.ق)، ۳۴/۱.

^{۱۴}. عبدالعزیز عامر، التعزیر فی الشریعة الإسلامية (بیروت: دارالفکر العربی، ۱۹۷۶ م)، ۳۹۸.

^{۱۵}. ابو عبدالله محمد بن قیم الجوزی، الطرق الحکمیة والسیاسة الشرعیة (بیروت: شركة دارالارقم، ۱۴۱۹ ه.ق)، ۲۴۹.

۱.۳. نظریه عدم جواز تعزیر مالی

تعزیر با گرفتن مال به اساس قول راجح نزد ائمه‌ی مذاهب چهارگانه اهل سنت جایز نمی‌باشد؛ زیرا باعث تسلط حاکم ظالم بر اموال مردم می‌گردد.^{۱۶}

امام أبوحنیفه رحمه الله، امام محمد بن الحسن شیبانی رحمه الله، امام مالک و امام احمد بن حنبل رحمه الله بر این مسأله اتفاق نظر دارند که مجازات مالی با اخذ مال مجرمین و جریمه نقدی آنان جواز ندارد، چون وضع این نوع تعزیرات بهانه‌ی برای اخذ اموال رعیت توسط حکام گردیده و دروازه‌ی مفسده بزرگی باز می‌شود.^{۱۷}

نظریه راجح در مذهب امامان اربعه این است که تعزیر مالی جایز نیست؛ زیرا به نام تعزیر باعث تسلط حاکم ظالم بر اموال مردم می‌شود.^{۱۸}

قول راجح و مفتی به در مذهب حنفی نیز عدم مشروعیت مجازات مالی به صورت جریمه نقدی است، چنانچه به این موضوع ابن الهمام حنفی در کتاب فتح القدر شرح الهدایه اشاره نموده می‌نویسد:

وعن أبي يوسف يجوز للسلطان التعزير بأخذ المال وعندهما وباقي الأئمة لا يجوز. و مثله في "المعراج" وظاهره أن ذلك رواية ضعيفة عن أبي يوسف، قال في "الشرنبلالية":^{۱۹} "ولا يفتى بهذا لما فيه من تسليط الظلمة على أخذ مال الناس فيأكلونه، وأفاد في "البرازية"^{۲۰} أن معنى التعزير بأخذ المال على القول به إمساك شيء من ماله عنه مدة لينزجر ثم يعيده الحاكم إليه، لا أن يأخذه الحاكم لنفسه أو لبيت المال كما يتوهمه الظلمة، إذ لا يجوز لأحد من المسلمين أخذ مال أحد بغير سبب شرعي، وفي "المجتبى" لم يذكر كيفية الأخذ، وأرى أن يأخذها فيمسكها فإن أيس من توبته يصرفها إلى مايري، وفي شرح الآثار: التعزير بالمال كان في ابتداء الإسلام ثم نسخ، والحاصل أن المذهب عدم التعزير بأخذ المال». ^{۲۱} خلاصه ترجمه: نزد امام ابی یوسف رحمه الله تعزیر مالی جایز است، اما نزد امام ابی حنیفه رحمه الله و امام محمد بن حسن الشیبانی، تعزیر مالی جایز نیست، قول ابو یوسف رحمه الله در این قضیه ضعیف است، مفتی به در این موضوع قول امام ابو حنیفه رحمه الله است، به خاطریکه تجویز تعزیر مالی، حاکمان را برای اخذ مال رعیت بی باک می‌سازد.

قول راجح در مذهب حنفی: با در نظر داشت دیدگاه علمای فقه حنفی و آنچه که علامه ابن عابدین شامی در فوق تذکر داده است، قول راجح و مفتی به همان عدم جواز اخذ مال به عنوان جریمه نقدی و یا تعزیر مالی است، چون در این شرایط که اکثریت حکام جهان اسلام یا به زور قدرت را تصرف نموده و یا حکومت‌های خاندانی و شاهی تشکیل داده‌اند. بنابر این انتظار عدالت جزایی از این حکام بعید به نظر می‌رسد. دلیل راجح بودن این قول آیات و احادیثی است که به صراحت از اخذ مال دیگران منع می‌کند که در ادامه این بحث به آن نصوص اشاره شده است، ابن عابدین شامی برای ترجیح دیدگاه عدم جواز می‌نویسد: (و الحاصل أن المذهب عدم التعزير بأخذ المال)، یعنی مذهب راجح و قول مفتی به در این مورد، عدم جواز اخذ مال دیگران به عنوان جریمه است.^{۲۲}

۱۶. محمد شلال العمری، فقه العقوبات فی الشریعة الاسلامیة (بی‌جا: دار المسیرة للنشر، بی‌تا)، ۳۸۳.

۱۷. العامر، التعزیر فی الشریعة الإسلامیة، ۳۹۶.

۱۸. العمری، فقه العقوبات فی الشریعة الاسلامیة، ۳۸۴.

۱۹. حسن بن عمار بن علی، الشرنبلالی المصری، الفوائد البهیة فی تراجم الحنفیة (بیروت: دارالکتب العربیة، ۱۴۱۵ هـ.ق)، ۲۸۷.

۲۰. محمد بن محمد بن شهاب بن یوسف کردری بریقینی خوارزمی، ملقب به حافظ الدین، فقیه و اصولی حنفی قرن نهم. از جمله آثار مهم و عبارت است از: الفتاوی البرازیه یا الجامع الوجیز، که یک دوره فقه حنفی است و در ۸۱۲ تألیف شده است.

۲۱. محمد امین بن عمر ابن عابدین الشامی، رد المحتار علی الدرالمختار (بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۲ هـ.ق)، ۴/ ۶۲.

۲۲. ابن عابدین، رد المحتار علی الدرالمختار، ۶۲.

ب: دلایل عدم جواز وضع جرمه نقدی

۱. آیات قرآنی

خداوند بزرگ در آیت ۲۹ سوره النساء فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ﴾. ترجمه: ای مسلمانان مال‌های یکدیگر تان را به صورت نامشروع نخورید؛ مگر ب‌ه‌شکل تجارت و با رضایت طرفین باشد.

خداوند بزرگ در آیت ۱۸۸ سوره البقره فرموده است: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾. ترجمه: مال‌های یکدیگر تان به صورت باطل نخورید و آن را به حاکمان نرسانید؛ تا مال‌های مردم را ب‌ه‌شکل نامشروع حیف و میل کنند.

وجه استدلال: این دو آیت فوق‌الذکر به صورت عموم تصاحب و تناول اموال مردم را بدون رضایت و بدون تجارت ب‌ه‌شکل باطل منع می‌کند. تعزیر مالی نیز مشمول اکل مال مردم به صورت باطل است، چون مرتکب جرم به اخذ مالش رضایت ندارد.

۲. دلایل حدیثی

۱. ۲. پیامبر اسلام صل الله علیه و سلم در خطبه حجة الوداع فرمود: **إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ حَرَامٌ عَلَيْكُمْ كَحَرَمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا فِي بَلَدِكُمْ هَذَا**.^{۲۳} ترجمه: ریختنیدن خون‌ها و تصاحب مال‌های یکدیگرتان (ب‌ه‌شکل نامشروع) برایتان حرام است، (چنان حرام است)؛ مانند: حرمت این روز عرفه، حرمت ماه ذوی الحجه و حرمت این سر زمین حرم مکه.

۲. ۲. حدیث دیگری است که پیامبر اسلام صل الله علیه و سلم فرموده است: **إِنَّهُ لَا يَجِلُّ مَالٌ أَمْرِي إِلَّا بِطِيبِ نَفْسٍ مِنْهُ**.^{۲۴}

ترجمه: برای هیچ مسلمانی حلال نیست که مال برادر خود را بدون رضایت بخورد و یا تصاحب نماید.

وجه استدلال: از مجموعه‌ی احادیث فوق به وضوح معلوم می‌شود که گرفتن اموال دیگران و تصاحب آن بدون اجازه مالک آن جایز نمی‌باشد؛ بلکه این عمل از محرمات قطعی شمرده شده که شریعت اسلام از آن منع نموده است. بدون شک در مجازات نقدی هیچگاهی رضایت خاطر مرتکب جرم وجود ندارد. حتی حاکم نیز حق تصرف و تملیک املاک دیگران را ندارد.

۳. ۲. تعزیر مالی خلاف قواعد کلی شریعت اسلام: در روشنایی قواعد کلی شریعت اسلام اسباب تملک و مالکیت معلوم و مشخص است، تعزیر مالی از جمله‌ی اسباب تملیک و تملک شمرده نشده است.^{۲۵}

استاد رمضان بوطی می‌نویسد: وقتیکه تعزیر مالی و مجازات نقدی از جمله اسباب مباحه مالکیت شمرده نمی‌شود، پس وضع جرمه نقدی تحت عموم نهی آیات و احادیث که بر حرمت اخذ اموال دیگران به صورت باطل دلالت دارد، شامل است.^{۲۶}

۴. ۲. حضرت أبو بکر صدیق رضی الله عنه حکم جهاد در مقابل مانعین زکات را در محضر صحابه کرام صادر نموده و عملاً در مقابل آنان به جهاد و مبارزه پرداخت و در نهایت از ایشان زکات گرفت، ثابت نشده که ایشان جرمه مالی برای این جرمشان وضع نموده باشد، درحالیکه جرمشان مرتبط به منع مال زکات بوده است. در حقیقت حضرت أبو بکر صدیق در محضر صحابه که حیثیت اجماع آنان را دارد، به حدیث بهزین حکم که بر وضع جرمه مالی بر مانعین زکات دلالت دارد، عمل نکرده است.^{۲۷}

^{۲۳}. مسلم بن الحجاج القشیری النیسابوری، صحیح مسلم (بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۹ ق.)، "الحج"، ۱۹، ۱۴۷، (۱۲۱۸).

^{۲۴}. أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشیبانی، مسند الإمام أحمد (قاهره: مؤسسة قرطبة، ۱۴۲۸ ق.)، ۴۲۳/۳، أخرجه أحمد، (۱۵۵۲۷)؛ الطبرانی کما فی مجمع الزوائد (۱۷۱/۴)؛ البیهقی (۹۷/۶)، رقم (۱۱۳۰۵)؛ أخرجه أيضاً: عبدالله بن أحمد فی زوائد (۱۱۳/۵)؛ رقم (۲۱۱۱۹)؛ قال الهیثمی (۱۷۱/۴)؛ رواه أحمد وإبنه من زیاداته أيضاً والطبرانی فی الکبیر والأوسط ورجال أحمد ثقات؛ الرویانی (۴۵۵/۲)، رقم (۱۴۷۵).

^{۲۵}. مصطفی احمد الزرقا، المدخل الفقہی العام (دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۸ ق.)، ۳۴۸/۱.

^{۲۶}. محمد سعید رمضان البوطی، محاضرات فی الفقہ المقارن (دمشق: دارالفکر، ۱۴۲۲)، ۱۵۱.

^{۲۷}. محمد بن احمد بن عرفه الدسوقی، حاشیة الدسوقی علی الشرح الکبیر (بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۸ ق.)، ۳۵۵/۴.

دلیل سدالذریعه: اجازه دادن به تعزیرات مالی منجر به دست درازی حکام به اموال رعیت گردیده که این تجویز در حقیقت منجر به فساد مالی شده و دست‌های حاکمان به اموال رعیت دراز می‌گردد، پس باید با استناد دلیل سدالذریعه حکم به جریمه نقدی نشود.^{۲۸}

۵.۲. **عدم بازدارندگی جریمه مالی در عدالت جزایی:** مجازات مالی نمی‌تواند به‌عنوان وسیله‌ی مؤثر مقابله با جرایم باشد. اگر مجازات مالی به‌عنوان جزا پذیرفته شود، باعث می‌شود کسانی که متمول و دارای ثروت اند و از تمکن مالی برخوردار هستند، به راحتی مرتکب جرم شوند؛ زیرا پرداخت مال به‌عنوان جریمه برای آنان مشکل نیست، به آسانی ایشان مرتکب جرم می‌شوند، در این صورت عدالت جزایی تأمین نمی‌شود، عدالت جزایی ایجاب می‌کند که ماهیت مجازات قابل تطبیق برای همه‌گان یکسان هدف تطبیق مجازات را بر آورده سازد و میزان جریمه باید به نحوی باشد که برای همه افراد جامعه‌ی که مرتکب جرم می‌گردند، به تناسب وضع مالی خودشان بازدارنده‌گی داشته باشد؛ نه اینکه مجازات وسیله‌ی برای حکومت‌های باشد که به راحتی بر اموال و دارایی مردم بدون مجوز شرعی تسلط یابند.^{۲۹}

۶.۲. مخالفت تعزیر مالی با اهداف وضع تعزیرات

گرامت مالی یا جریمه نقدی نمی‌تواند به‌عنوان مجازات تعزیری پذیرفته شود؛ زیرا هدف مجازات تعزیری، اصلاح و تربیت مرتکب و بازدارندگی از تکرار جرم و مقابله با جرایم است. این هدف با تطبیق جرایم مالی حاصل نمی‌شود. چون تعزیرات مالی به‌صورت یکسان بر افراد جامعه قابل تطبیق نیست، و عدالت جزایی هم تأمین نمی‌شود. افزون بر آن، کسانی که مخالف مجازات مالی به‌عنوان تعزیر هستند، معتقدند که در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم مجازات مالی وجود داشت؛ ولی نسخ شده است. چنانچه عبدالقادر عوده می‌نویسد: گرامت‌های مالی یا مجازات مالی که در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم مقرر شده بود، نسخ شده است.^{۳۰} اگرچه این گروه قبول دارند که در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم جریمه مالی به‌عنوان یک مجازات شرعی موجود بوده است؛ ولی اعتقاد به نسخ آن قابل مناقشه است. «ابن تیمیه حرانی» در جواب مدعیان نسخ جریمه مالی می‌گوید: کسی که قائل است جریمه مالی نسخ شده در حقیقت دروغی را به امامان نسبت داده‌اند، این ادعی از جهت نقل و استدلال بعید به نظر می‌رسد، بسیار شایع است جریمه مالی نزد مذهب حنبلی و مالک منسوخ شده است؛ اما ادعی کنندگان نسخ، دلیلی از قرآن، سنت و اجماع ندارند که بتوانند دعوی‌شان را مقبول جلوه دهند.^{۳۱}

ج. نظریه جواز تعزیر مالی

گروه دیگری از فقهای اسلامی معتقدند که تعزیر مالی جایز است و نظر امام مالک رحمه الله، دیدگاه قدیم شافعی رحمه الله^{۳۲} نیز همین است، ابو یوسف از علمای حنفی، ابن فرحون از علمای مالکی، مذهب قدیم امام شافعی، ابن تیمیه حرانی و ابن قیم الجوزی از علمای بارز مذهب حنبلی به جواز تعزیر مالی توسط حاکم مسلمان اتفاق نظر نموده‌اند.

تعزیر مالی که در اصطلاح فقهی به آن گرامت گفته می‌شود، در لغت عبارت از چیزی است که مرتکب جرم به اساس حکم قانون و یا حکم محکمه، ملزم به پرداخت آن باشد و در اصطلاح فقهی عبارت است از الزام جنایت‌کار به پرداخت مقداری از مال خود به بیت‌المال مسلمین به اساس حکم قانون و یا محکمه است. دلیل بر مشروعیت تعزیر مالی، حدیث پیامبر است که «عمرو بن شعیب» رحمه الله روایت نموده است که بر مبنای آن حدیث، سارق میوه معلق به پرداخت دو برابر قیمت آن جریمه شده است.^{۳۳}

^{۲۸}. الدسوقی، حاشیة الدسوقی علی الشرح الکبیر، ۳۵۶/۴.

^{۲۹}. العوده، التشریح الجنایی، ۲۴۵/۱.

^{۳۰}. العوده، التشریح الجنایی، ۲۵۴/۱.

^{۳۱}. محمد عبدالله، ولایة الحسبة فی الاسلام (قاهره: مکتبة الزهراء، بی‌تا)، ۴۲۵.

^{۳۲}. احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه، الحسبة فی الإسلام أو وظيفة الحكومة الإسلامية (المدينة المنورة: مؤسسة مكة، ۱۴۲۷ق)، ۴۹.

^{۳۳}. حبیبی، مبانی فقهی جریمه مالی در فقه امامیه و فقه اهل سنت، ۸۳.

۱. مذهب أبو یوسف: مؤلف معین الحکام علی بن خلیل طرابلسی حنفی (ت ۸۴۴) می نویسد: «يجوز التعزير بأخذ المال وهو مذهب أبي يوسف». ^{۳۴} ترجمه: تعزیر مالی به اساس دیدگاه أبو یوسف جایز است.

امام أبو حنیفه رحمه الله و دیگر شاگردانش برخلاف دیدگاه أبو یوسف معتقد به عدم مشروعیت تعزیر مالی است، ولی أبو یوسف در صورت وجود مصلحت، تعزیر مالی را جایز می داند و مذهب حنفیه را به جواز تعزیر مالی برگشت می دهد.

از أبو یوسف روایت شده که زعیم حکومت اسلامی حق دارد که با در نظر داشت مصلحت حکومت و حال مرتکب جرم، اقدام به تعزیر مالی نماید و معنای تعزیر مالی در نزد کسانی که قائل به جواز تعزیر می باشند، این است که مقداری از مال جانی را بطور موقت توقیف نماید تا باعث جلوگیری از وقوع جرایم شود، سپس به مالک برگرداند، نه این که برای خودش یا برای بیت المال اخذ نماید؛ چنانچه برخی ها این گونه توهم نموده اند؛ زیرا برای هیچ کسی جایز نیست که مال دیگری را بدون جهت شرعی تصرف و قبضه نماید. ^{۳۵}

مؤلف تبیین الحقائق شرح کنزالدقائق از فقهای معتبر فقه حنفی می نویسد: «وعن أبي يوسف أن التعزير بأخذ الأموال جائز للإمام» ^{۳۶} ترجمه: نزد أبو یوسف رحمه الله تعزیر مالی با اخذ اموال مرتکب جرم جایز است.

۲. مذهب امام مالک: ابن فرحون از علمای مذهب مالکی می نویسد: «التعزير بأخذ المال قال به المالكية». ^{۳۷} ترجمه: به مجازات مالی علمای مذهب مالکی قول نموده اند.

نقد: ابن فرحون مصادیق و تطبیقات که در این موضوع توضیح داده است، متعلق به ائتلاف مالی است که شخص در آن فریب کاری نموده است؛ مانند: شیر مخلوط به آب و زعفران ناخالص که تاجران آن را خاص گفته به فروش برسانند، در این صورت حاکم حق دارد از باب تعزیر، مال وی را تلف نماید و یا به فروش رسانیده و قیمت آن را به فقراء توزیع کند، موضوع ائتلاف مال اتفاقی است در این خلافتی وجود ندارد، پس نمی توان جریمه نقدی را جایز و منصوص دانست و بر ائتلاف مال قیاس نمود. امام شاطبی این روایت ابن فرحون را نکرده نموده و آنرا به چالش کشیده است، چنانچه می نویسد: قال الشاطبي ^{۳۸} رحمه الله (۱۳۸۸ م - ۷۹۰ هـ) فی الاعتصام: "وأما مذهب مالك فإن العقوبة في المال عنده ضربان: أحدهما كما صورّه الغزالي (إطلاق القول بجواز العقوبة المالية بمختلف المعاصي) فلا مرية في أنه غير صحيح... والثاني أن تكون جنایة الجاني في نفس ذلك المال أو في عوضه فالعقوبة فيه عنده ثابتة، فإنه قال في الزعفران المغشوش إذا وجد بيد الذي غشّه إنه يتصدق به على المساكين قل أو كثر» ^{۳۹}.

ترجمه: امام شاطبی رحمه الله می نویسد: (در مذهب امام مالک تعزیر مالی به دو نوع است: یکی این است (چنانچه امام غزالی گفته است) در تمام انواع معاصی غیر حدودی تعزیر به مال جایز است، بدون شک نسبت این قول به امام مالک درست نیست. دوم اینکه تعزیر مالی در موارد خاصی جایز است که جنایت متعلق به اموال باشد در آن صورت مرتکب باید در صورت مصلحت تعزیر مالی شود؛ مانند: زعفرانی که در آن فریب کاری شده باشد، حاکم می تواند آنرا مصادره و برای فقراء توزیع کند.

^{۳۴} علاء الدین علی بن خلیل الطرابلسی، معین الحکام فیما یتردد بین الخصمین من الأحکام (القاهرة: مكتبة بولاق، ۱۸۹۲ م)، ۲/۲۳۱.

^{۳۵} وهبة الزحيلي، الفقه الإسلامي وادلته (دمشق: دار الفكر، ۱۴۱۸ق)، ۷/۵۵۹۶.

^{۳۶} فخرالدین عثمان بن علی الزیلعی، تبیین الحقائق شرح کنزالدقائق (بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۲ هـ)، ۳/۲۰۸.

^{۳۷} شمس الدین ابی عبدالله محمد بن فرحون المالکی، تبصرة الحکام فی اصول الأفضیة ومناهج الاحکام، تحقیق. مال الدین مرعشلی (بیروت: دارعالم الکتب العربی، ۱۴۲۳ هـ)، ۲/۲۹۸.

^{۳۸} ابواسحاق ابراهیم بن موسی بن محمد اللخمی غرناطی مالکی مشهور به شاطبی، امام علامه، حافظ جلیل القدر، مجتهدی تلاشگر و دانشمندی اصولی، فقهی محدث، لغت شناسی بیانگر و زاهدی روشن ضمیر و برجسته در علوم مختلف بود. از نوادر علمای محقق، اهل درایت و اثبات و از بزرگان صاحب فن و محل اطمینان در آنچه نوشته است. وی جایگاهی استوار در فقه، اصول، تفسیر، حدیث، علوم عربی و غیره دارد.

^{۳۹} ابواسحاق ابراهیم بن موسی الشاطبی، الاعتصام، تحقیق. هشام بن اسماعیل (السعودية: دار ابن الجوزی، ۱۴۲۱ هـ)، ۲/۱۲۴.

در این حالت حاکم می‌تواند مال مجرم را تلف نماید؛ مثلاً: ظرف شراب را می‌تواند بشکند. پیامبر اسلام صل الله علیه و آله و سلم در زمان خود نیز این عمل را انجام داد تا نارضایتی خود را نشان دهد... اگر والی طبق اجتهاد خود چنین نیازی را تشخیص دهد، می‌تواند همان‌گونه عمل کند؛ ولی چون این عمل نیاز به اجتهاد دقیق دارد، برای سایر مردم مجاز نیست، این‌گونه عمل کنند.^{۴۰}

۳. مذهب امام شافعی: در مذهب امام شافعی رحمه الله در مورد حکم تعزیر مالی دو نظریه قدیم و جدید وجود دارد که به اساس نظریه قدیم، قول به جواز تعزیر مالی شده است؛ اما به اساس نظریه جدید که معتبر نیز است، تعزیر مالی را منع نموده و قول به عدم جواز تعزیر مالی کرده است، معلوم است که نظریه دوم معیار اعتبار است چون نظریه دوم به منزله نسخ نظریه اول است.^{۴۱}

امام نووی^{۴۲} (۱۲۷۷م) در شرح مسلم نظریه‌ی جدید امام شافعی رحمه الله را ترجیح داده و گفته است: «نظریه‌ی جدید امام شافعی که موافق با جمهور در منع تعزیر مالی است، راجح می‌باشد».^{۴۳}

۴. مذهب حنبلی: اما در مذهب حنبلی تعزیر مالی جایز نیست و حکومت نمی‌تواند مال مجرم را تصرف یا اتلاف نماید؛ زیرا تعزیر برای تأدیب و اصلاح است. بهوتی با نقل مذهب حنبلی می‌نویسد: از ائمه‌ای که شایسته پیروی باشد نظری بر جواز تعزیر مالی صادر نشده است.^{۴۴}

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، از فقهای متقدمین، تنها ابو یوسف و امام شافعی در نظریه‌ی قدیم خود، جریمه مالی را مشروع می‌دانند؛ ولی جمهور فقهای اهل سنت جریمه مالی را به‌عنوان تعزیر مطرح نکرده اند و تعزیر مالی را جایز نمی‌دانند.

در مذهب حنبلی نیز قول راجح عدم جواز تعزیر مالی است، چنانچه علامه بهوتی می‌نویسد: «ویحرم تعزیر بأخذ ماله أو إتلافه لأن الشرع لم یرد بشیء من ذلك عمّن یقتدی به».^{۴۵} ترجمه: تعزیر مالی جایز نیست چون در شریعت اسلام در این مورد دلیل قابل قبول روایت نشده است. تنها از علمای مذهب حنبلی ابن تیمیه حرانی و ابن قیم جوزی به جواز تعزیر مالی نظر دادند.^{۴۶}

د. دلایل نظریه جواز تعزیر مالی

علمای که بر جواز مجازات مالی قول نموده اند به یک سلسله دلایلی تمسک جسته اند که ذیلاً به برخی آنها اشاره می‌شود:

۱. {عَنْ بَهْزُ بْنُ حَكِيمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ أَعْطَاهَا (الزَّكَاةَ) مُؤْتَجِرًا فَلَهُ أَجْرُهَا وَمَنْ أَبِي فَإِنَّا آخِذُوهَا وَشَطْرَ إِبِلِهِ عَزْمَةٌ مِنْ عَزْمَاتِ رَبِّنَا}.^{۴۷}،^{۴۸} ترجمه: هر کسی زکات مالش را با رغبت بپردازد، پاداش آن را می‌برد و آن کس که نپردازد من آن را همراه با قسمتی از مالش به‌عنوان جریمه از او می‌گیرم، این دستوری از دستورات خداست.

^{۴۰} محمد بن احمد القرشی، معالم القرية في احكام الحسبة (بی جا: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۴۰۸ هـ)، ۲۸۸.

^{۴۱} ابن تیمیه، الحسبة فی الإسلام أو وظيفة الحكومة، ۴۹.

^{۴۲} ابو زکریا یحیی بن شرف النووی (۶۳۱ هـ - ۶۷۱ هـ) مشهور به امام النووی عالم، مجتهد و محدث مسلمان برجسته شافعی مذهب بود. وی چندین کتاب در حوزه حدیث، سیره نبوی، و فقه تألیف کرده است. او هیچگاه ازدواج نکرد. نووی از نویسندگان پرکار مسلمان در سده هفتم هجری به شمار می‌رود. از او تألیفات متعددی در زمینه‌های مختلف علوم دینی به خصوص در دو حوزه حدیث و فقه شافعی بر جای مانده است.

^{۴۳} یحیی بن شرف النووی، شرح النووی علی صحیح مسلم، مراجعة. خلیل المیس (بیروت: دار القلم، ۱۴۲۲ هـ)، ۱۵۹/۲.

^{۴۴} العمری، فقه العقوبات فی الشریعة الاسلامیة، ۳۸۴.

^{۴۵} منصور بن یونس بن إدريس البهوتي، شرح منتهی الإیرادات (بیروت: عالم الکتب العربی، ۱۴۰۳ هـ)، ۳۶۲/۳.

^{۴۶} السعدی، حکم التعزیر بالمال، ۲۳۴.

^{۴۷} ابی داود سلیمان بن اشعث السجستانی، السنن (قاهره: دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۰ق)، ۲۵۶/۴.

^{۴۸} الراوي من الصحابة: معاوية بن حيدة القشيري، المحدث: الإمام الشافعي. المصدر: المحرر في الحديث الصفحة أو الرقم: ۲۱۲. خلاصة حكم المحدث: لا يثبت أهل العلم بالحديث، التخریج: أخرجه أبو داود (۱۵۷۵)، والنسائي (۲۴۴۴)، وأحمد (۲۰۰۱۶) باختلاف يسير. بهز ابن حكيم بن معاوية. وبهز تابعي مختلف في الاحتجاج به. قال أبو حاتم: هو شيخ يكتب حديثه ولا يحتج به. وقال الشافعي: ليس بحجة. وقال الذهبي: ما تركه عالم قط (عن أبيه عن جده): هو معاوية بن حيدة الصحابي.

کسی اگر زکات خود را کامل پرداخت نکند با مأمورین زکات رفتار فریب کارانه داشته باشد، زکات از وی گرفته می شود، برخی از مالش به عنوان جریمه نیز اخذ می شود. وجه استدلال از این حدیث واضح است که پیامبر اسلام بر منع کننده ی زکات علاوه از اخذ مال زکات جریمه مضاعف نیز حکم نموده است که این خود بر جواز مجازات مالی دلالت دارد.

۲. عن سعد بن ابی وقاص قال: {مَنْ أَخَذَ أَحَدًا يَصِيدُ فِيهِ (فی حرم المدینة) فَلْيَسْلُبْهُ ثِيَابَهُ}.^{۴۹} ترجمه: کسی که در حرم مدینه منوره مشغول شکاری شود باید لباسش به غنیمت گرفته شود. وجه استدلال از این حدیث این است که حضرت سعد بن ابی وقاص متجاوز بر حرم مدینه را با گرفتن لباسش مجازات می کند. برای این کار خود به ارشاد پیامبر اسلام تمسک نموده می گوید: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است: کسیکه در حرم مدینه مشغول شکار شود باید لباسش را به عنوان مال غنیمت از تن اش بیرون کشید.

۳. حدیث عمرو بن شعیب: {عَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الثَّمَرِ الْمَعْلَقِ فَقَالَ مَنْ أَصَابَ بِفِيهِ مِنْ ذِي حَاجَةٍ غَيْرَ مُتَّخِذٍ حُبْنَةً فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَمَنْ خَرَجَ بِشَيْءٍ مِنْهُ فَعَلَيْهِ غَرَامَةٌ مِثْلِيهِ وَالْعُقُوبَةُ!}.^{۵۰} ترجمه: از آن حضرت حکم سرقت میوه آویزان بر درخت سؤال شد فرمود: کسی از میوه درختی دیگری به دهان بخورد و چیزی از آن را به جیب خود پنهان نکند بر او مجازاتی نیست، اما اگر کسی از این میوه با خود ببرد، بر او علاوه از مجازات شلاق دو برابر قیمت میوه جریمه نیز می شود.

نقد: از این حدیث جریمه مالی مرتبط به مال دانسته می شود نه مطلق جریمه نقدی.

۴. حدیث عبدالله بن عمرو: {عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ: رَأَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى نَوْبَيْنِ مُعْصَفَرَيْنِ فَقَالَ أَمْرُكَ بِهَذَا قُلْتُ أَعْسَلُهُمَا قَالَ بَلْ أَحْرَقَهُمَا}.^{۵۱} ترجمه: از عبدالله بن عمرو روایت است که پیامبر اسلام دید که من جامه های زرد رنگ به تن نموده ام، گفت: آیا مادرت به پوشیدن این لباس دستور داده است؟ گفتم: این رنگ را پاک کنم، پیامبر اسلام گفت: بلکه به آتش حریق کنید.

وجه استدلال به این حدیث این است، چونکه پوشیدن لباس رنگه به رنگ زرد شعار و رنگ لباس کفار در آن زمان بود و نیز رنگ مرغوب خانم ها می باشد، پیامبر اسلام آن را برای مسلمانان مناسب نمی دانست که در پوشیدن لباس با رنگ زرد با لباس کفار مشابهت پیدا شود، و یا مردان در لباس با رنگ لباس زنان ظاهر شود. بنابر این کسیکه آن را به تن کند باید طبق دستور پیامبر اسلام مجازات شود، مجازات آن همان از بین بردن لباس های رنگه است، این خود به معنای تعزیر مالی است.

د. مناقشه دلایل طرفین

اکنون دلایل کسانی را که قابل به جواز تعزیر مالی اند، به مناقشه گرفته بررسی می کنیم، جمهور فقهای اسلامی دلایل قایلین به جواز تعزیر مالی را چنین پاسخ داده اند:

۱. حدیث بهز بن حکیم شاذ است، با ثقات دیگر مخالفت نموده است، أبو حاتم رازی می نویسد: احادیث بهز بن حکیم از پدرش و از جدش قابل احتجاج نیست. حاکم نیشاپوری می نویسد: بهز بن حکیم ثقه است؛ اما روایتش از طریق پدرش و جدش قابل اعتبار نیست؛ امام شافعی گفته است: حدیث بهز بن حکیم از طریق پدرش و جدش حجت نیست. ابن حبان می گوید: وی کثیر الخطا بوده است.^{۵۲}

^{۴۹}. سنن أبی داود، "المناسک"، ۹۹ (۲۰۳۷).

^{۵۰}. سنن أبی داود، "القطعة"، ۱، (۱۷۱۰).

^{۵۱}. مسلم، "اللباس والزینة"، ۴، ۲۷-۲۸ (۲۰۷۷).

^{۵۲}. محمد بن أحمد بن عبد الهادی الحنبلی، تنقیح التحقیق فی أحادیث التعلیق، تحقیق. سامی بن محمد بن جاد (ریاض: دارالارقم)، ۲۳۴/۲.

صحابه کرام و خلفاء راشدین در عصر خود به این حدیث عمل نکرده اند، حتی در عصر پیامبر اسلام ابن جمیل از پرداخت زکات امتناع نمود؛ اما پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم بر وی غرامه مالی را تطبیق نکرد؛ بلکه گفت: {مَا يُنْقِمُ ابْنَ جَمِيلٍ إِلَّا أَنَّهُ كَانَ فَقِيرًا فَأَعْتَاهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ}.^{۵۳}

ابن جمیل به خاطریکه الله و پیامبرش او را غنی نموده است، از پرداخت زکات ابا می‌ورزد. اگرچه تعدادی ائمه حدیث بهز بن حکیم را از جمله‌ی ثقات معرفی نموده اند، تأیید این تعداد پیشوایان حدیث، روایات بهز بن حکیم را از درجه نکارت می‌کشد؛ اما هرگز از درجه شذود خارج نمی‌شود. چون مخالفت ثقه با ثقات دیگر، حدیث را شاذ می‌سازد، و حدیث شاذ از جمله احادیث ضعیف شمرده می‌شود.^{۵۴}

۲. در مورد حدیث عمرو بن شعیب از پدرش و از جدش یوسف ابن عبدالبر در تمهید می‌نویسد: این حدیث به وسیله‌ی دلیل قرآنی و حدیثی منسوخ شده است، دلیل نسخ از قرآن این قول الله متعال است: ﴿وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ﴾. ترجمه: اگر مجازات نمودید باید به اندازه جرمش مجازات کنید و اگر صبر کنید، این کار بهتر است.^{۵۵}

دیگر اینکه حدیث عمرو بن شعیب بر خلاف قیاس است، حکم که بر خلاف قیاس و قواعد کلی ثابت شود، قضیه‌ی دیگر غیر منصوص بر آن قابل قیاس نیست و حکم قضیه منصوص در مواردی که مدرک به عقل نباشد به قضایای دیگری سرایت نمی‌کند و قیاس نمی‌شود.^{۵۶}

^{۵۳}. أبو عبدالله محمد بن إسماعيل البخاری، الجامع المسند الصحيح المختصر من سنن رسول الله وایامه، تحقیق. محمد زهير بن ناصر الناصر، (بیروت: دارطوق النجاة)، ۲۷۶/۶.

^{۵۴}. الدیرشوی، "العقوبات المالية التعزيرية من زاوية أصول الفقه"، ۳۱.

^{۵۵}. یوسف بن عبد البر النمري، التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد (بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۷ق)، ۳۴۵/۴.

^{۵۶}. الدیرشوی، "العقوبات المالية التعزيرية من زاوية أصول الفقه"، ۳۳.

نتیجه گیری

در فقه اسلامی در مورد مجازات مالی دو نظریه مطرح است؛ ولی نظریه عدم جواز مجازات مالی راجح تر است. وضع تعزیرات مالی و مجازات مالی به اساس قول مفتی به مذهب حنفی جایز نیست. حاکم نمی تواند جرایم مالی را به عنوان قانون وضع نماید، چون در این صورت تضاد منافع به وجود می آید. وضع تعزیرات مالی مخالف اصول قطعی شریعت می باشد. نص شرعی که بتواند مشروعیت جرمه مالی را اثبات کند، وجود ندارد.

مشروعیت جرمه مالی باعث سوء استفاده حکومت و تسلط آنان بر مال مردم بدون مجوز شرعی شده و حکومت ها به نام تعزیرات مالی، اموال مردم را تاراج می کنند. پس این دروازه ای است که منجر به فساد می شود.

شریعت اسلام در برابر بعضی جرایم تعزیری جرمه و غرامت مالی تشریح نموده است، محدود و منحصر در همان مورد می باشد و قابل گسترش و تعدیه حکم نیست. مجازات مالی نمی تواند، به عنوان وسیله مؤثر مقابله با جرایم باشد. اگر مجازات های مالی پذیرفته شود، باعث می شود کسانی که متمول اند و از تمکن مالی برخوردار هستند، به راحتی مرتکب جرم شوند.

دلایل جزئی که بر وضع تعزیرات دلالت می کند یا منسوخ است و یا محدود در همان مورد خاص است. از بین بردن محلات و مکان های جرم و نابود کردن اموالیکه شرعاً تجارت آن حرام است، مشمول تعزیرات مالی نمی شود. جرایم که متعلق به اموال باشد جزای آن نیز از جنس جرم خواهد بود.

فهرست منابع

قرآن كريم

- ابن الهمام، محمد بن عبدالواحد ابن الهمام. فتح القدير شرح الهداية. بيروت: دار الفكر. ١٤١١ هـ، ١.
- ابن قيم الجوزي، أبو عبدالله محمد بن قيم. الطرق الحكمية والسياسة الشرعية. بيروت: شركة دار الارقم، ١٤١٩ هـ.ق.
- ابن تيمية، احمد بن عبدالحليم. الحسبه في الإسلام. المدينة المنورة: مؤسسة، مكة، ١٤٢٧ هـ.ق.
- ابن حنبل، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني. مسند الإمام أحمد. قاهره: مؤسسة قرطبة، ١٤٢٨ هـ، ٥.
- ابن عابدين شامى، محمد أمين بن عمر ابن عابدين. رد المحتار على الدر المختار. بيروت: دارالفكر، ١٤١٢ هـ، ٢.
- ابن عبدالبر، يوسف بن عبد البر النمري. التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد. بيروت: دارالفكر، ١٤٢٧ هـ، ٤.
- ابن فرحوع، شمس الدين ابى عبدالله محمد بن فرحون المالكي. تبصرة الحكام فى اصول الأفضية ومناهج الاحكام. تحقيق. جمال الدين مرعشلى. بيروت: دارعالم الكتب العربى، ١٤٢٣ هـ، ٢.
- بخارى، محمد بن إسماعيل. الجامع الصحيح. تحقيق. محمد زهير بن ناصر الناصر. بيروت: دارطوق النجاة، ١٤٢٢ هـ(ق)، ٦.
- بخارى، أبو عبدالله محمد بن إسماعيل البخارى. الجامع المسند الصحيح المختصر من سنن رسول الله و ايامه. تحقيق. محمد زهير بن ناصر الناصر. بيروت: دارطوق النجاة، ١٤٢٢ هـ، ٤.
- بن سماعيلى، محمد. "العقوبات المالية ودورها فى إعادة تأهيل المحكوم عليه". بوهنتون الجزائر مجلة البحوث العلمية والدراسات الإسلامية ١/١١، (ربيع جهارم سال ٢٠١٩م).
- البهوتى، منصور بن يونس بن إدريس. شرح منتهى الإرادات. بيروت: عالم الكتب العربى، ١٤٠٣ هـ، ٣.
- البهوتى، منصور بن يونس بن إدريس. كشاف القناع عن متن الإقناع. بيروت: عالم الكتب العربى، ١٤٠٣ هـ، ٢.
- البوطى، محمد سعيد رمضان البوطى. محاضرات فى الفقه المقارن. دمشق: دار الفكر، ١٤٢٢ هـ.ق.
- جزيرى، عبدالرحمن. الفقه على المذاهب الاربعة. بيروت: دار الفكر، ١٤٢٢ هـ، ٥.
- الجوزى، أبو عبدالله محمد بن قيم. الطرق الحكمية والسياسة الشرعية. بيروت: شركة دار الارقم، ١٤١٩ هـ.ق.
- حبيشى، ضمن على. مباني فقهي جريمه مالي در فقه اماميه و فقه اهل سنت. ايران: مجله حكومت اسلامى، ١/٢٢، بهار سال ١٣٩٦.
- الحنبلى، محمد بن أحمد بن عبد الهادى. تنقيح التحقيق فى أحاديث التعليق. تحقيق. سامى بن محمد بن جاد، رياض: دارالارقم، ١٤٢٣ هـ.ق.
- الحوالى، عبدالله بن محمد. العقوبات المالية فى الفقه الإسلامى و صور تطبيقاتها. مجلة العدل. ١٥/٥٩ ماه رجب ١٤٣٥ هـ، بوهنتون ملك عبدالعزيز جده.
- الخطيب، احمد غالب الخطيب. (٢٠٢١م). الغرامة المالية وتطبيقاتها فى المحاكم الشرعية الأردنية. شبكة دائرة الإفتاء.
- <https://www.aliftaa.jo/ShowContent.aspx?Id=8>
- الدسوقى، محمد بن احمد بن عرفة. حاشية الدسوقى على الشرح الكبير. بيروت: دارالفكر، ١٤٢٨ هـ، ٤.
- الديرشوى، عامر. (٢٠٢٠م). "العقوبات المالية التعزيرية من زاوية أصول الفقه". مجله علمى بوهنتونى علوم اسلامى بوهنتون /غرجچين. ٧/٤. (٢٠٢٠م).

- الديرشوى، محمد جنيد. الحرية الاقتصادية ومدى سلطان الدولة فى تقييدها فى الشريعة الاسلامية. دمشق: دارالنوادر، ٢٠١٠م.
- زحيلي، وهبه. الفقه الاسلامي وادلته. ٧. دمشق: دار الفكر، ١٤١٨ هـ.ق.
- الزرقا، مصطفى احمد. المدخل الفقهي العام. دمشق: دارالقلم، ١٤١٨ هـ.ق، ١.
- الزيلعي، فخرالدين عثمان بن على. تبين الحقائق شرح كنزالدقائق. ج ٣. (بيروت: دارالكتاب العربي، ١٤٠٢ هـ.ق.
- السحيم، عبدالله بن عبدالرحمن بن الصالح. مكتبة المشكاة الإسلامية. العقوبات المالية. <https://shababaltgher.alafdal.net> (الوصول: ١٤٤٠ق).
- السعدى، احمد محمد السعيد. (٢٠١١م). "حكم التعزير بالمال". مجلة تحقيقات حقوق اسلامي، ٣/٢. ٢٠١١م.
- شاطبي، أبواسحاق ابراهيم بن موسى. الأعتصام. تحقيق. هشام بن اسماعيل. السعودية: دار ابن الجوزي، ١٤٢١ هـ.ق.
- الطرابلسي، علاء الدين على بن خليل. معين الحكام فيما يتردد بين الخصمين من الأحكام. القاهرة: بولاق، ١٨٩٢م.
- عامر، عبدالعزيز. التعزير فى الشريعة الإسلامية. بيروت: دار الفكر العربي، ١٩٧٦م.
- عبدالله، محمد. ولاية الحسبة فى الاسلام. قاهره: بي تا، مكتبة الزهراء.
- عليزاده، يعقوب. (١٤٠١ش). بررسى مجازات جزاى نقدى از منظر فقه اقتصادى. تهران: فصلنامه مطالعات فقه اقتصادى پوهنتون پیام نور، بخش الهيئات فقه و حقوق اسلامي. ٣/٤. خزان سال ١٤٠١ش.
- عوده، عبدالقادر. التشريع الجنائى الإسلامى مقارنة بالقانون الوضعى. بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٢٣ هـ.ق، ١.
- العمرى، عيسى العمرى. محمد شلال العمرى. فقه العقوبات فى الشريعة الاسلامة. بي جا: دار المسيره للنشر، بي تا.
- فيضى، تبسم كلثوم. (٢٠١٧م). "العقوبات المالية وسقوطها فى ضوء القرآن والسنة والقانون الوضعى". مجلة اعجاز تحقيقي. هند، مركز تحقيقات علمي شاه ولى الله دهلوى، ١/٢ (٢٠١٧م).
- قراملكى و حميدى، على مظهر قراملكى و محمد رضا حميدى. (١٣٩١ش). بررسى مشروعيت مجازات مالى. پوهنتون تهران: فصلنامه تحقيقات فقه و حقوق اسلامي ٢٨/٨ (تابستان سال ١٣٩١ش).
- قرشى، محمد بن احمد. معالم القرية فى احكام الحسبة. بي جا: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٤٠٨ هـ.ق.
- النووى، يحيى بن شرف. شرح النووى على صحيح مسلم. المجلد ٢. مراجعة: خليل الميس. بيروت: دار القلم، ١٤٢٢ هـ.ق، ٢.
- نيشاپورى، مسلم بن الحجاج النيسابورى. صحيح المسلم. بيروت: داراحياء التراث العربى، ١٤٢٩ هـ.ق، ٥.